

«بسم الله الرحمن الرحيم»

عنوان

حجاب در قرآن و عهدین

لیلا بوحمیدی^۱

چکیده:

حجاب یکی از مسایل اصلی مشترک بین ادیان الهی است. تمایل به پوشیده ماندن در یهود، مسیحیت و اسلام امری درونی است و عفاف و خویشتن داری فضیلت اخلاقی شمرده میشود. طرح مسئله حجاب در آیین یهود و مسیحیت موجود با ابهام و اجمال همراه است اما اسلام این حکم ادیان گذشته را با بیانی روشن اصلاح و تکمیل کرده است. اگر به لباس ملی کشورهای جهان نگریسته شود، به خوبی حجاب و پوشش زنان را می توان مشاهده کرد که نشان می دهد حجاب در میان بیشتر ملت های جهان - و در طول تاریخ - معمول بوده و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است.

واژگان کلیدی: اسلام، حجاب، عفاف، عهد قدیم، عهد جدید

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه فاطمه الزهراء (سلام الله علیها)

مقدمه

پوشش از ابتدای خلقت همواره از نیازهای اولیه به شمار می رفته و با گذشت زمان و رشد انسان و خروج از حالت بدویت، طرح لباس، جنس و حالت آن نیز تغییر پیدا کرده و در کنار سایر جنبه های زندگی بشر به پیش رفت خود ادامه داده است تا حدی که نه تنها پوشش بدن، متناسب با شرایط اقلیمی تغییر کرده، بلکه همسو با پیشرفت تمدن، فرهنگ و متناسب با آداب و رسوم و اعتقادات مردم دگرگونی های بی شماری را در طول تاریخ داشته است. عوامل اقتصادی، اجتماعی و ارتباطات نیز در تکامل و تنوع پوشش انسان نقش بسزایی داشته است. با اینکه مساله حجاب از مسایل مهم دین اسلام است و در آیات و روایات نیز به کرات درباره آن سخن گفته شده است و قرآن کریم نیز واجب بودن آن را بر بانوان و زنان مورد تاکید قرار داده است، متأسفانه می بینیم که در جامعه، برخی از بانوان در امر حجاب کوتاهی کرده و آنطور که باید و شاید نسبت به پوشش خود و حجاب اسلامی حساسیت نشان نمی دهند. تحقیقات انجام یافته عوامل مختلفی را در بدحجابی بانوان مورد تایید قرار داده اند. میزان التزام والدین به اعتقادات و رفتارهای مذهبی، گرمی در روابط با والدین و میزان التزام دوستان به اعتقادات و رفتارهای مذهبی، خویشتن داری و در نهایت وضعیت اقتصادی از جمله عوامل موثر بر عدم رعایت شؤوون اسلامی و حجاب است. « در واقع پوشش و حجاب یکی از احکام ضروری اسلام به شمار می رود و خداوند متعال برای ارج نهادن به مقام والای زن، پوشش و حجاب را بر او واجب کرد تا در سایه عفاف و تقوی به مقام قرب الهی نایل شود.» در این مقاله به بررسی سؤالاتی همچون آیا در ملل دیگر قبل از اسلام حجاب بوده؟ وضع حجاب در عهدین؟ و جوب بودن حجاب در قرآن همچنین، چرا در فرهنگ اسلامی، حجاب بر زنان واجب شمرده شده است؟، پرداخته شده است. ادیان آسمانی به این دلیل که ریشه در یک مبدا دارند و آموزهای آنها از وحی الهی سرچشمه می گیرد، در مسائل بنیادین اعتقادی و برخی مباحث فرعی اشتراک نظر دارند و مسئله حجاب از آن جمله است در این نوشتار ضرورت پوشش و اهمیت حجاب و جایگاه آن در سه آئین یهود، مسیحیت و اسلام به بحث گذارده می شود و بررسی نصوص دینی نگرش این ادیان به حدود و چگونگی پوشش را روشن می سازد.

شهید مطهری در کتاب مسأله حجاب که ۲۶۴ صفحه می باشد به تاریخچه، علت و فلسفه حجاب و... اشاره کرده است. در مورد تاریخچه حجاب قبل از اسلام، در برخی ملل حجاب بوده ولی به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است. علت های مختلفی از نظر فلسفی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی و روانی در مورد پیدایش حجاب ذکر کرده اند، حجاب یک پدیده ارزشمندی است که

ضرورت آن حتی در بین اقوام و جوامع مختلف قبل از اسلام احساس گردیده بود و اگر احیاناً اشکالی هم در عایت حجاب باشد، نه فقط متوجه اسلام، بلکه شامل همه کسانی است که حجاب را یک امر انسانی تلقی می‌کنند و اینکه هدف بی توجهی برخی به حجاب و نادیده گرفتن آن به منظور دستیابی به منافع بزرگ مالی بوده است. زیرا زنان عریان را کم هزینه ترین و سهل ترین وسیله تبلیغاتی برای وصول به آن هدف می‌دانستند و بدون شک برای این منظور از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. رعایت حجاب، همانند شخصیت طلبی و عفت خواهی، بازگشت به فطرت اصیل انسانی است؛ از این رو، رعایت حجاب ارزش گذاردن به زن و نوعی تکریم به اوست، نه دلیل بر نقص وجود او. زن با رعایت حجاب، از آلودگی مصون می‌ماند، زیرا زمینه هرگونه سوء استفاده از او منتفی می‌گردد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی اسلام:

اسلام در اصطلاح بر شریعت پیامبر خاتم (صل الله علیه وآله وسلم) اطلاق شده است.^۱ شاید بتوان گفت مناسبت میان معنای اصطلاحی و معنای لغوی اسلام این است که دین اسلام سراسر طاعت و تسلیم در برابر خداوند و پذیرش و انقیاد اوامر، بدون هیچ گونه اعتراضی است.^۲ در فرهنگ قرآن، مسلمان تنها به پیروان پیامبر اسلام اطلاق نمی شود، بلکه اسلام به معنای وسیع کلمه (معنای لغوی) تسلیم مطلق در برابر فرمان خدا و توحید کامل و خالص از هر گونه شرک و دو گانه پرستی است و به همین جهت است که قرآن کریم حضرت ابراهیم (علیه سلام) را مسلمان معرفی می کند.^۳

۱-۲- معنای لغوی و اصطلاحی حجاب:

در لغت (ستر، پرده، برقع، نقابی که زنان چهره خود را بدان پوشانند)^۴ در اصطلاح (حجاب به معنای پنهان کردن و منع دخول است).^۵ حجاب پوشش و حائل بین دوشی است زن محجوب زنی است که با پوشش پوشیده باشد و مقصود از حجاب در اینجا پوشاندن زن بر طبق موازین شرع در برابر نامحرم است همچنین پوشش مخصوص زن ها را حجاب گویند برخی از آنجا که این واژه در لغت به معنای پرده آمده است در معنای اصطلاحی آن نیز سخن از در خانه ماندن یا حائل بین زنان و مردان نامحرم گفته اند. در اصطلاح فقیهان مسلمان، حجاب به معنای «پوشش مخصوص زنان» است. البته در قدیم، فقها برای پوشش زنان، از واژه «ستر» استفاده می کردند.^۶

۱-۳- معنای لغوی و اصطلاحی عفاف

۱. معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۹۶۵

۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۱ و ۲، ص ۱

۳. گل محمدی، بوستان اندیشه جوان، ص ۱

۴. الوجوه و النظائر، ج ۱، ص ۲

۵. مبادی الاسلام، ص

۶. مطهری، مسئله حجاب، ص ۶۲

از نظر لغت «عَفَّت» از عَفَّه و عَفَّاه (باقیمانده چیزی) گرفته شده و به معنی اقتصار و قناعت کردن بر تناول شیء قلیل و مختصر است، که باقیمانده از چیزی است. سپس معنی از این فراتر رفته و راغب در مفردات گوید: «العَفَّةُ حُصُولُ حَالَةٍ لِلنَّفْسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنْ غَلْبَةِ الشَّهْوَةِ»^۱ عفت حاصل شدن حالتی برای نفس است^۲ که امتناع می کند به سبب آن حالت از غلبه شهوت^۳، به تعبیر ساده حالت کنترل در مقابل شهوات است. وقتی می گوئیم شهوت، فقط شهوت جنسی مراد نیست؛ بلکه معنی عام مراد است، شهوت مال، جاه، خوردن، تکلم کردن، شهوت جنسی و غیره، عَفَّت در همه اینها کنترل کننده است.^۴ و در اصطلاح اخلاق، به معنی خویشترداری در برابر تمایلات افراط گونه نسبت به لذت های مادی و نفسانی است. عفت یکی از فضائل است که در قرآن مورد توجه واقع شده است و در تفکر اسلامی عفت شامل منزه بودن و پاکی دست و زبان و شکم و دامن از هرگونه عیب و بدی است و زیربنای علم اخلاق است.

۲- ضرورت عفاف

واژه عفاف به خوداری از چیزی که حلال نیست یا خوداری از گفتار یا کاری که جایزه و شایسته نیست تعریف شده است. راغب اصفهانی آن را حالت نفسانی می داند که به واسطه آن از غلبه شهوت جلوگیری می کند. مطابق این معنا، عفاف در مفهوم عام خودعبارت از خویشترداری در برابر هر نوع تمایل افراطی نفسانی است. براین اساس عفاف به صنف خاصی اختصاص ندارد و برای زن و مرد فضیلت اخلاقی است. ادیان الهی نیز بر این ملکه نفسانی تاکید می کنند و پای بندی به آن را از پیروان خود می خواهند.

۱. مفردات راغب؛ ص ۳۳۹

۲. اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین)؛ ج ۱؛ ص ۳۳۹

۳. همان؛ ص ۳۴۰

اگرچه حجاب، دستوری قرآنی و تکلیفی دینی است که مخاطبان آن اصالتاً مکلفان هستند، اما ماهیت این حکم، اجتماعی است و از این رو رعایت یا عدم رعایت آن بروز و ظهور اجتماعی می‌یابد. آن است که تمام مقررات از سوی دیگر، اقتضای اطلاعات دلایل احکام فردی و اجتماعی دین راضی نیست. از لوازم این موضوع به رعایت نشدن احکام دین دینی در جامعه اجرا شود و شارع آن است که حکومت‌ها در یک جامعه اسلامی در برابر جهت‌گیری اخلاقی مردم و اجرای احکام شریعت در زندگی اجتماعی مسئولیت دارند و باید به حفظ شؤون اجتماع ملتزم باشند و به آموزه‌های دینی احترام گذارند.

۱۰- مقایسه حجاب در ادیان اسلامی : اسلام، یهود و مسیحیت

تفاوت اساسی حجاب اسلامی با حجاب ادیان گذشته، در این است که اسلام وجوب پوشش زنان را متناسب با شئون انسان، با تعدیل و نظم مناسب و به دور از افراط و تفریط، سهل انگاری مضر یا سخت گیری بی مورد به جامعه بشری ارزانی داشته است. حجاب اسلامی همچون حجاب مورد توصیه پاپ ها، به معنای حبس زن در خانه یا پرده نشینی و دوری از شرکت در مسائل اجتماعی نیست؛ بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان بیگانه، موی سر و اندام خویش را بپوشاند و به جلوه گری و خود نمایی نپردازد تا در جامعه، غریزه آتشین جنسی تحریک نگردد؛ بلکه در محیط خانواده، این غریزه به صورت صحیح ارضا گردد.

هدف این بحث صرفاً ارائه مستندات شرعی برای توجه ادیان بر مسأله پوشش و حجاب بود تا نشان داده شود، فرهنگ به تنهایی بر این مهم تأکید نداشته است؛ بلکه ادیان، هماهنگ با فطرت آدمی، گرایش به پوشش و عفاف را به عنوان یک اصل پسندیده مطرح کردند در ادیان، صرفاً به حجاب ظاهری تأکید و بسنده نشده؛ بلکه حجاب باطنی به عنوان آراستگی درونی و تلاش در جهت تأدیب نفس برای هر مردوزن متدین توصیه شده است. از دیگر مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد، مسأله فرهنگ پذیری است که بر تمام شئون اجتماعی تأثیر دارد. حتی نحوه تغذیه، پوشش و نیز چگونگی تفریح و تفرج را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. هنگامی که عملی به عنوان فرهنگ جهانی در جامعه تبلیغ شد، آن جامعه بدون توجه به اعتقادات و مصالح خود، تن به فرهنگ به اصطلاح جهان می دهد؛ در حالی که ادیان در عرصه اصیل خود انسان را به ارزش های والای انسانی سوق می دهند و از چهره ی زن، مریم، آسیه، خدیجه و سرانجام، فاطمه (سلام الله علیها) را می سازد. از بررسی و مقایسه حدود و کیفیت حجاب در ادیان چهارگانه استنباط می گردد که حجاب در ادیان دیگر، نسبت به اسلام از شدت بیشتری برخوردار بوده است. به عنوان مثال، پوشاندن صورت، گرچه در زمان زرتشت معمول نبوده و بعد از او در میان زرتشتیان معمول شده است اما طبق آنچه گذشت، چادر و روبنده از ارکان اخلاقی مسیحیان و یهودیان محسوب می شده است؛ در حالی که بنابر نظر اکثر فقهای اسلامی، پوشاندن صورت واجب نیست. لزوم کناره گیری کامل زن در حیض در دین زرتشت، محق دانستن مرد در طلاق زنی که صدایش در کوچه شنیده شده بدون پرداخت مهریه از طرف دین یهود، رکن بودن چادر و روبند و ذکر نام

آن دو به طور صریح در کتاب مقدس مسیحیان و وجوب سکوت زن نزد بیگانه و در کلیسا از طرف مسیحیت، بهترین گواه بر این مطلب است. بنابراین، نه تنها اسلام واضع قانون حجاب نبوده است، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن و غیرتمندی مرد، ارائه نموده است.

بنابراین نتیجه کلی که از این مباحث (بررسی حجاب در ادیان سامی «اسلام، یهود و مسیحیت») می گیریم این است که: حجابی که خداوند برای ما مسلمانان الزام کرده ، در تمام ادیان خداوند تعالی منظورش همین حجاب است که آیات آن در قرآن سور مبارک (نور، احزاب، و...) آمده است ولی بر اثر مخالفت هایی که در هر امت زمان بوجود می آمده، مورد تحریف واقع شده است. پس بنابراین نتیجه می گیریم آیات حجاب که در سوره های نور و احزاب وجود دارد، با آیاتی که در تورات و انجیل بوده شاید تفاوت چندانی نداشته باشد و کاملاً مفهومی یکی باشد. و در همه ی آنها خداوند برای زن ارزش خاصی قائل بوده است. سپاس خدایی را که می خواهد زن را از گزند روزگار در امان نگه دارد. هم چنان که صدف را برای درّ حفاظ قرار داده بر زن نیز حجاب را حفاظ قرار داده است.

نتیجه گیری

در مقاله حجاب در قرآن و عهدین به بررسی حجاب پرداخته شد و گفته شد که وجه تمایز ادیان در فلسفه تشریع حجاب و پوشش و حجاب فیزیکی بدن که در حدود و کیفیت پوشش می باشد صدق و ایمان، خشوع و صبر و تمام برتری ها و ویژگیها در دین مبین اسلام میان مردان و زنان به صورت برابر بیان شده و این نشان دهندهی استعداد و توانایی زنان در رسیدن به مراتب والای کمال و قرب الهی است اگر به لباس ملی کشورهای جهان نگریسته شود، به خوبی حجاب و پوشش زنان را می توان مشاهده کرد، که در میان بیشتر ملت های جهان و در طول تاریخ معمول بوده، و اختصاص به مذهب یا ملت خاصی نداشته است. حجاب محدودیت ساز نیست بلکه ایجاد مصونیت می کند. البته باید ذکر کرد که حجاب فقط برای زنان نیست. حجاب علاوه بر اسلام در ادیان دیگر هم مطرح بوده و به آن اهمیت می دادند. از این رو، حجاب یک پدیده ارزشمندی است که ضرورت آن حتی در بین اقوام و جوامع مختلف قبل از اسلام احساس گردیده بود و اگر احیاناً اشکالی هم در عایت حجاب باشد، نه فقط متوجه اسلام، بلکه شامل همه کسانی است که حجاب را یک امر انسانی تلقی می کنند و اینکه هدف بی توجهی برخی به حجاب و نادیده گرفتن آن به منظور دست یابی به منافع بزرگ مالی بوده است. زیرا زنان عریان را کم هزینه ترین و سهل ترین وسیله تبلیغاتی برای وصول به آن هدف می دانستند و بدون شک برای این منظور از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. رعایت حجاب، همانند شخصیت طلبی و عفت خواهی، بازگشت به فطرت اصیل انسانی است؛ از این رو، رعایت حجاب ارزش گذاردن به زن و نوعی تکریم به اوست، نه دلیل بر نقص وجود او. زن با رعایت حجاب، از آلودگی مصون می ماند، زیرا زمینه هرگونه سوء استفاده از او منتفی می گردد.

منابع

* قرآن کریم

۱. آشنایی، علی محمد، حجاب از پیشینه تا پیامدها.
۲. افشاری، محمدحسین، زینت خصوصی
۳. بهشتی، محمدحسین، سه گونه اسلام، انتشارات روزنه، ۱۳۹۷
۴. جواد آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱
۵. رحیمی، آرتا، حجاب، ج ۱ و ۲ و ۳
۶. صبوری اردوباری، احمد، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳
۷. گل محمدی، جعفر، بوستان اندیشه جوان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه. ش.
۸. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، صدرا، چاپ هشتاد و پنجم، ۱۳۸۰ ه. ش.
۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۰. مهدی زاده، حسین، حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱
۱۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ ۱۳۶۷